اخبار

دو کتاب «موویلمز» به چاپ سوم رسیدند

کتاب‌های «چرا به جوجه اردک کلوچه دادند؟» و «کبوتر باید حمّام کند!» به نویسندگی و تصویرگری مو ویلمز از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تازگی به چاپ سوم رسیده‌اند. ترجمه این دو کتاب با داستان‌های تربیتی را پرناز نیری بر عهده داشته است.

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این کتاب‌ها را با رعایت قوانین بین‌المللی نشر (کپی رایت) و اجازه‌ی رسمی آژانس ادبی نویسنده از کشور آمریکا منتشر کرده است.

کتاب «چرا به جوجه اردک کلوچه دادند؟» برای کودکان بالای هفت سال (نوخوان) و کتاب «کبوتر باید حمّام کند!» برای کودکان چهار سال به بالا (نوباوه) منتشر شده است. کتاب «کبوتر باید حمّام کند!» هم در سال ۲۰۱۴ به عنوان کتاب سال سایت «گود ریدز» انتخاب شده است.

در کتاب «چرا به جوجه اردک کلوچه دادند؟» کبوتر به دنبال دلیل این موضوع می‌گردد که چرا به جوجه اردک مهربان کلوچه دادند آن هم کلوچه‌ای که گردو و فندق دارد....

این دو کتاب ۳۶ صفحه‌ای در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار توسط انتشارات کانون پرورش فکری با قطع خشتی منتشر شد و اکنون هر دو با شمارگان ۱۰ هزار نسخه به چاپ سوم رسیده‌اند. در این‌نوبت چاپ، کتاب «چرا به جوجه اردک کلوچه دادند؟» با قیمت ۱۱ هزار تومان و «کبوتر باید حمّام کند!» با قیمت ۱۴ هزار تومان عرضه شده است.

پیش‌تر نیز از این مجموعه، دو کتابِ «نگذار کبوتر تا دیروقت بیدار بماند!» و «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند!» توسط کانون پرورش فکری چاپ شده‌اند.

برند شرودر با رمان «ما که اینجاییم» به ایرانیان معرفی شد

انتشارات کتاب فانوس رمان «ما که اینجاییم» اثر برند شرودر و ترجمه مهشید میرمعزی را با شمارگان ۵۰۰ نسخه، ۱۷۶ صفحه و بهای ۳۵ هزار تومان منتشر کرد.

شرودر نویسنده آلمانی، به سال ۱۹۴۴ به دنیا آمد. در مونیخ در رشته‌های تاریخ تئاتر و زبان‌شناسی درس خواند و از سال ۱۹۶۸ به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس مشغول به کار شد. برخی از مهم‌ترین کتاب‌های او این موارد است: کنستانتین وکر، سرزمین غرق‌شده، بین برادران و مادونینا.

از شرودر پیشتر هیچ کتابی به فارسی منتشر نشده است و در واقع این نویسنده با کتاب «ما که این‌جاییم» برای نخستین بار است که به مخاطبان ایرانی معرفی می‌شود. نشر کتاب فانوس این رمان را با ترجمه مهشید میرمعزی چاپ کرده و حق انتشار (کپی‌رایت) آن را هم از ناشر آلمانی خریداری کرده است.

مضمون اصلی این رمان رابطه‌های انسانی و فراز و فرودهای عاطفی انسان‌ها در زندگی است.

آماده‌سازی سی‌ویک‌عنوان کتاب مهدوی برای چاپ در سال جاری

حجت‌الاسلام صمدی مدیر پژوهش و امور محتوایی انتشارات کتاب جمکران همزمان با سالروز آغاز امامت امام زمان (عج) به خبرنگار مهر، از ارائه بیش از ۱۲ عنوان کتاب مهدوی برای باقیمانده سال ۹۹ خبر داد و گفت: نشر معارف اصیل مهدویت اصلی‌ترین وظیفه انتشارات کتاب جمکران است. این‌ناشر آثار با قالب‌های داستانی، ترجمه، عمومی و ... را برای طیف مخاطبان مختلف منتشر می‌کند اما بخشی از کتاب‌هایمان به‌صورت خالص و مستقیم به مباحث و ابعاد مهدویت و موعودشناسی می‌پردازند.

وی افزود: علی رغم مشکلات رکود بازار کتاب، در سال ۹۹ برای عرضه ۳۱ کتاب جدید مهدوی برنامه‌ریزی کرده‌ایم که از این‌مجموعه ۱۹ اثر در قالب رمان و داستان و کودک و نوجوان؛ و ۱۲ اثر هم پژوهشی معارفی هستند.

صمدی در ادامه گفت: موعود اسرا، عراق قبل از ظهور، رجعت از نظر فریقین، منتظران منجی در ادیان ابراهیمی و همچنین ویرایش جدید نجم الثاقب و غیبت شیخ طوسی از جمله این‌کتاب‌ها هستند.

فهرست‌های بهار و تابستان لاک‌پشت پرنده رونمایی می‌شوند

فهرست‌های ۳۳ و ۳۴ لاکپشت پرنده که به معرفی کتاب‌های برگزیده بهار و تابستان ۹۸ اختصاص دارند، از ۷ تا ۹ آبان در فضای مجازی به‌صورت برخط رونمایی می‌شوند.

طی سه‌روز یادشده کتاب‌های راه‌یافته به این دو فهرست از طریق صفحه اینستاگرام شهرکتاب مرکزی معرفی می‌شود و کودکان، نوجوانان و بزرگسالان می‌توانند از طریق صحبت‌های نویسندگان، مترجمان و تصویرگران با کتاب‌ها آشنا شوند.

این‌روزها که کودکان اوقات بیشتری را در خانه‌ها می‌گذارنند فراهم‌کردن فهرستی از بهترین کتاب‌های مناسب برای گذراندن اوقات فراغتشان ضروری‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد.

لاک‌پشت پرنده فهرستی از کتاب‌های برتر هر فصل، برای کودکان و نوجوانان است. این‌کتاب‌ها را گروهی از منتقدان، کارشناسان و نویسندگان کودک و نوجوان با بررسی کتاب‌های هرفصل انتخاب می‌کنند. کتاب‌های راه یافته به فهرست فصلی با تقسیم‌بندی شش، پنج، چهار و سه لاک‌پشت ارزیابی می‌شوند.

علاقه‌مندان می‌توانند کتاب‌ها را از این‌فهرست انتخاب و از شهرکتاب مرکزی و سایر کتاب فروشی‌ها تهیه کنند.

جابر قاسمعلی نویسنده «راه شب» که از شبکه آی فیلم پخش می شود:

هر تصویر رازآمیزی که با صدای ممدوح می‌شد در ذهن پروراند با تماشای او از دست رفت

جابر قاسمعلی، نویسنده فیلمنامه سریال «راه شب» که اکنون در جدول پخش شبکه آی فیلم است، با بیان این که طراح ایده اولیه فیلمنامه این اثر، مهدی هاشمی بوده و قرار بود خودش هم ایفاگر نقش مجری رادیو در سریال باشد، از اتفاقاتی که منجر به حضور ناصر ممدوح به عنوان بازیگر این نقش شد، سخن گفت. او معتقد است تصویر رازآمیزی که با صدای ممدوح می‌شد در ذهن پروراند با تماشای او در این سریال، لطمه خورده است.

به گزارش امتیاز؛ نام سریال «راه شب» از یک برنامه رادیویی با سابقه چند دهه ای شبکه رادیویی ایران گرفته شده است. در این سریال تلویزیونی، ناصر ممدوح نقش مجری برنامه رادیویی «راه شب» را بازی می کند. او با همسرش همکار است.

هر شب شخصی با رادیو تماس می گیرد و داستان گره زندگیش را روایت می کند. این مجری هم به نحوی کمک می کند که هر شب مشکل یکی از مخاطبان برنامه حل شود.

این مجموعه داستانی اپیزودیک به تهیه کنندگی محمد مسعود، کارگردانی داریوش فرهنگ و نویسندگی جابر قاسمعلی، تولید سال ۱۳۸۴ شبکه سه سیماست.

آی فیلم به بهانه بازپخش این سریال، با جابر قاسمعلی که موفق شد در دهمین جشن حافظ تندیس بهترین فیلمنامه نویس تلویزیونی را به خاطر نگارش «راه شب» کسب کند، به گفت و گو نشست.

قاسمعلی درباره چگونگی شکل گرفتن ایده اولیه سریال اظهار کرد: در ابتدا اینطور نبود که بخواهیم بر مبنای برنامه راه شب رادیو فیلمنامه بنویسیم. حقیقت آن است که مهدی هاشمی طرحی نوشته بود به نام شب های رادیو که داستان زندگی یک مجری رادیو بود و جز در فصل‌هایی که به شغل او در رادیو می‌پرداخت، مابقی داستان بیرون از محیط رادیو اتفاق می‌افتاد. تا آنجا که به یاد دارم داستان یک مجری بود که درمی‌یافت یکی از مخاطبین برنامه اش مادر گمشده‌اش است. مهدی هاشمی طرحش را به داریوش فرهنگ داد و داریوش که پیش تر بر مبنای فیلمنامه‌های من، فیلم سینمایی روانی و سریال طلسم شدگان را کار کرده بود، طرح را به من داد تا بخوانم. طرح را خواندم و طبق توافق سه نفره بین من و داریوش و مهدی هاشمی قرار شد که من طرح را گسترش بدهم .طرح گسترش یافته به شبکه سوم ارائه شد و بنا به پیشنهاد مدیر وقت فیلم و سریال شبکه سه سیما قرار شد حالا که قرار است سریالی در باره رادیو بسازیم، چرا آن را گسترش ندهیم و از همه پتانسیل رادیو استفاده نکنیم ؟ در این مرحله داریوش فرهنگ دست به کار شد و در غیاب مهدی هاشمی که سر کار «روزگار قریب» عیاری بود، طرحی سه چهار صفحه‌ای نوشت و در آن حدود و ثغور کلی سریال را مشخص کرد؛ به این شکل که به جای یک سریال بالابلند ملودرام، چندین و چند داستان داشته باشیم. تو گویی رادیو هر شب داستانی را روایت می‌کند. اسمش هم شد «راه شب». البته در طرح چند صفحه‌ای داریوش داستانی پیش بینی نشده بود و فقط به کارکرد رادیو در بیان و تهییج احساسات، عواطف، درد و رنج و شادی و .. مردم اشاره شده بود. از حالا به بعد کار من شروع شد؛ نشستم به طراحی داستان و طی ۹ ماه بیش از ۳۰ داستان نوشتم که برخی توسط تلویزیون رد شد و برخی پذیرفته و ساخته شد.

نویسنده «راه شب» به کارکردهای دراماتیک پرداختن به داستان هایی پیرامون رادیو به عنوان یک رسانه جذاب در دل یک اثر تلویزیونی هم اشاره کرده و گفت: عمیقا اعتقاد دارم که رادیو به واسطه رازآلودگی ویژه‌اش -که از مدیوم خاص آن می‌آید - همواره قابلیت درام پردازی دارد. سینما و تلویزیون هر آنچه هست را به عینه به تماشاگر نشان می دهد، اما رادیو با صدایش، ذهن مخاطب را تحریک می‌کند و او را به بافتن خیال و ساختن تصویر وا می‌دارد. مخاطب رادیو نیمی از داستان را می‌شنود و نیمی دیگر را باید در ذهن خود و با خیال خود بسازد؛ همین ویژگی، ذات و ساحت رادیو را واجد نوعی رازآلودگی و طبعا درام پردازی می‌کند. همان زمان نوشتن به داریوش فرهنگ گفتم برای حفظ این رازوارگی رادیو، تصویری از مجری و خانواده‌اش نشان ندهیم. بگذاریم قهرمان و شخصیت اصلی هر اپیزود، خود بر مبنای تصور، ذهنیت و تجربه‌اش، تصویری از مجری برنامه، بر مبنای صدایی که از او می‌شنود، در ذهن خود بسازد. داریوش استدلال مرا نپذیرفت و چون قرار بود مهدی هاشمی پس از مرخص شدن از کار «روزگار قریب» به ما بپیوندد و نقش مجری رادیو را بازی کند، منتظر ماند تا او بیاید. اما کار «روزگار قریب» به طول انجامید و مهدی همانجا ماندگار شد. دوباره به داریوش گفتم سکانس‌های مجری رادیو و خانواده‌اش را در استودیو و خانه و ... حذف کند تا به جوهر رادیو نزدیک تر شویم. او باز هم مصر بود مجری را در کار بیاورد و این بار مجری حرفه‌ای؛ ناصر ممدوح آمد با آن صدای بم مهربان‌اش. هر چند شخصا هنوز خیال می‌کنم هر تصویر رازآمیزی که با صدای ممدوح می‌شد در ذهن پروراند، با تماشای او، از دست رفت.

او در پاسخ به این سوال که «راه شب» به نوعی یادآور سریال «هزاران چشم» کیانوش عیاری هم است و آیا شباهتی بین آنها می بیند؛ بیان کرد: البته این شباهت به الگوی روایی به کارآمده در سریال‌های اپیزودیک که شخصیت ثابت دارد، برمی‌گردد. «هزاران چشم» با یک شخصیت ثابت که هر بار درگیر موقعیت جدید می‌شود، داستان خود را پیش می‌برد و ایضا «راه شب» با مجری هفتگی ثابت خود . می‌شود چندین و چند مثال دیگر زد از سریال‌هایی که چنین الگویی دارند که در تلویزیون ما هم کم نیستند . اما حالا که پرسیده اید این را هم بگویم که جنس کار عیاری در «هزاران چشم»، بر مبنای ساختار خرده پیرنگ، ایجاد حال و هوا و مود داستانی با ملاحظات مینی‌مالیستی طراحی شده است، اما در «راه شب» بنای ما بر داستان‌گویی بود با رویکرد اجتماعی.

قاسمعلی به ساختار اپیزودیک «راه شب» و تفاوت نگارش فیلمنامه آثار اپیزودیک نسبت به قصه های تک خطی نیز پرداخت: طبعا هر کدام ویژگی منحصر به فرد خود را دارند. داستان خطی مخاطب را به دنبال خود می‌کشد و اگر او یک شب موفق به تماشای سریال نشود ، طبعا بخشی از اطلاعات داستانی خود را از دست خواهد داد و ممکن است این نقصان در تاثیرگذاری سریال بر او اهمیت داشته باشد و او را از سیر داستانی عقب نگاه دارد و همین امر موجب شود او تمایل خود را به ادامه تماشای سریال از دست بدهد. اما همین اتفاق در سریال اپیزودیک از آنجا که تماشاگر اگر یک شب سریال را نبیند، تنها یک داستان _که جدای از داستان‌های دیگر است و ربطی به داستان‌های ماقبل و مابعد خود ندارد _ را از دست داده است، اثر چندانی بر مخاطب و سیر دریافت اطلاعاتی او باقی نمی‌گذارد.

او ادامه داد: از دید نویسنده اما باید این ماجرا را به شکلی دیگر تحلیل کرد. به کوتاهی می‌توان چنین گفت که طراحی یک داستان بالابلند به واسطه حجم، انباشت و تکثیر حوادث، اتفاقات و اطلاعات با تجمیع، حبس و تمرکزگرایی داستانی در سریال اپیزودیک متفاوت است. از این منظر سریال بالابلند داستانی با سریال اپیزودیک دو نوع متفاوت از فیلمنامه است که تخصص و تبحر خود را می‌طلبد.

فیلمنامه نویس «راه شب» در پایان تاکید کرد: متاسفانه با یک اشتباه استراتژیک در حضور مجری رادیو و مناسبات خانوادگی او، رازآلودگی جادویی رادیو و بالطبع داستان‌های راه شب، از دست رفت؛ خلوت رادیو به جلوت تلویزیون بدل شد و ذهن خیال‌پرداز جای خود را به عین واقع‌نما بخشید.

ناشران دلال شده‌اند یا دلال‌ها ناراضی‌اند؟

«ناشران دلال شده‌اند»! این جمله‌ای است که یکی از مسئولان سازمان تعزیرات حکومتی، در یک گزارش تلویزیونی، با حرارت به زبان می‌آورد. شاید ویدیوی این گزارش را این روزها در فضای مجازی دیده باشید. بخش خبری تلویزیون، پیامد خبر تاکید معاون اول رییس جمهور به سازمان تعزیرات حکومتی و سایر دستگاه‌های ناظر بر بازار، در زمینه نظارت جدی بر قیمت کالاهای اساسی و دارو، گزارشی پخش می‌کند از وضعیت ناخوش بازار کاغذ.

در این ویدیو، نایب رئیس اتحادیه فروشندگان کاغذ و مقوا، از انجام احتکار واردکنندگانی سخن می‌گوید که کاغذ را با ارزهای تخصیصی، به کشور وارد کرده‌اند، اما به‌دلیل نوسان قیمت دلار، به امید سود بیشتر، کاغذهای وارداتی را به بازار عرضه نمی‌کنند و این امر به افزایش قیمت‌ها انجامیده است. بلافاصله، رییس گشت‌های مشترک تعزیرات حکومتی استان تهران که در محل حضور دارد، آدرس را به سمت دیگری می‌برد و با حرارت و تاکید، بدون اشاره به هیچ‌گونه نقش و عملکرد واردکنندگان و تجار، از ناشرانی سخن می‌گوید که کاغذ تخصیص یافته از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت صنعت، معدن و تجارت را که طی تشخیص کارگروهی تخصصی، به قیمت ارز دولتی به آنان اختصاص یافته است، در بازار می‌فروشند؛ تا ضررهای‌شان را جبران کنند، و با تاکید می‌گوید، ناشران دلال شده‌اند و این امر، بازار را به هم ریخته است.

شخصاً به وقت مقتضی، نقدهای جدی به شرایط اولیه تخصیص کاغذ دولتی به ناشران داشته و به نگارش درآورده‌ام. اما در پی این اتهام سنگین و عمومی که بدون استثناء قایل شدن به جامعه نشر کشور وارد شده است، بر خود وظیفه می‌دانم به‌عنوان یک ناشر، مولف و روزنامه‌نگار حوزه کتاب، چند پرسش را از مسؤول محترم در سازمان تعزیرات حکومتی، به شرح زیر بیان کنم، شاید لایه‌های دیگری گشوده شود؛ مخصوصاً که این اتهام‌زنی مشهود، با سکوت و انفعال متولیان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همراه است، متولیان توییت‌باز و مدیران منصوب‌شان که حتی در شمار توییت‌های سیاسی خود نیز برای ظاهرسازی هم که شده، نسبتی را با فرهنگ و هنر رعایت نمی‌کنند.

و اما پرسش‌ها:

۱- چرا در میان همه کالاهای اساسی که این روزها شرح رسوایی آن‌ها همه‌جا را فرا گرفته است، دقیقاً کاغذ مهمترین سوژه از نظر سازمان محترم تعزیرات حکومتی قرار گرفته است؟ آن‌هم دقیقاً بخش فرهنگی آن؟ آیا در حال حاضر شرایط در زمینه سایر کالاها در بازار روزمره مردم، از شرایط مطلوبی برخوردار است؟

این پرسش از صداوسیما هم موضوعیت دارد که چطور در پی سخنان معاون اول رییس جمهور، که برای نمونه، در همان خبر هم «دارو» به‌عنوان یک کالای اساسی و از اقلام مورد نیاز و ضروری مورد توجه قرار گرفته بود، گزارش وضعیت بازار کاغذ برای پخش انتخاب شد؟ آیا این نسبت‌بندی، از سر نداری و ناچاری در زمینه گزارش تولیدی بود یا علت خاصی داشت که ما از درک آن عاجزیم؟

۲- بر فرض صحت سخن رییس محترم گشت‌های تعزیرات حکومتی استان تهران، چرا ایشان که در این زمینه مسئولیت دارند، با توجه به آگاهی جدی که مدعی آن هستند، با ناشران متخلف برخورد نمی‌کنند؟ یا چرا دست‌کم فهرست آنان را منتشر نکرده، یا در اختیار دستگاه‌های ذیربط قرار نمی‌دهند تا در تصمیم‌گیری‌های آتی، مبنای عمل قرار گیرد؟ مگر نه اینکه ایشان در این زمینه حقوق و دستمزد می‌گیرند که با متخلفان برخورد کنند؟ پس چرا برخوردهای لازم با وجود این سطح از آگاهی مورد ادعا، صورت نگرفته است؟ که اگر گرفته بود، تخلف مورد ادعای ایشان قاعدتاً باید پایان می‌یافت.

۳- چرا در شرایطی که نایب رییس اتحادیه فروشندگان کاغذ و مقوا از تخلف و زورگویی تجار و واردکنندگانی سخن می‌گوید که بدون ارتباط با حوزه نشر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با ارزهای تخصیص یافته کاغذ وارد کرده و از عرضه آن امتناع می‌کنند، مسئول محترم سازمان تعزیرات حکومتی، بدون هیچ‌گونه اشاره به نقش این بخش و این ضلع از ماجرا، با تاکید و انحصارا، ناشران را نوک پیکان حمله خود قرار می‌دهد؟

۴- سهم نشر کتاب و نشریات از بازار کاغذ ایران مشخص است. سهمی که در برابر انبوه مصرف‌هایی چون مقواهای مصرفی در مشاغلی چون قنادی، اسباب بازی، بسته‌بندی‌های کالاهای مختلف، لوازم‌التحریر مصرف بخش دانشگاهی و دانش آموزی، بانک‌ها، ادارات و شرکت‌ها، دخانیات، تبلیغات و غیره و غیره، عملاً سهم و حرف چندانی برای گفتن ندارد. آیا در این حوزه‌ها در زمینه مصرف کاغذ وارداتی هیچ‌گونه تخلفی صورت نمی‌گیرد که مورد توجه مسئولان محترم سازمان تعزیرات حکومتی نیست؟ و چگونه در میان این‌همه مشاغل و مصارف، فقط حوزه نشر مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا این خود مصداق آدرس غلط دادن نیست؟ آیا آدرس غلط دادن احتمالی، خود شائبه‌برانگیز نخواهد بود؟

۵- میزان کتاب‌های منتشر شده در کشور، قابل احصاء است و بنا بر آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در دو سال گذشته، از هر لحاظ با رشد همراه بوده است. اگر ناشران همگی مشغول دلالی کاغذ هستند، این کتاب‌ها دقیقاً با چه چیزی در حال تولید هستند؟ آیا کتاب‌ها با کف آب شهری منتشر می‌شوند؟ آیا میزان کتاب‌های تولیدی با حجم مشخص و محدود کاغذهای اختصاص یافته، اختلاف معناداری دارد؟

البته شکی نیست که در هر حوزه، تعدادی متخلف و سودجود هم وجود دارند؛ آما آیا این وضعیت فقط مشمول حوزه نشر کتاب است؟ آیا این تمایز قایل شدن، خود نشانی از مظلومیت فرهنگ و هنر در کشور نیست؟

۶- رئیس محترم گشت‌های مشترک تعزیرات حکومتی استان تهران معتقد است که اگر امر واردات کاغذ مورد نیاز نشر به تجار و فروشندگان کاغذ واگذار شود و حمایت دولتی آن برداشته شود، بازار رقابتی شده، قیمت‌ها شکسته می‌شود. به‌دلیل آنکه خیلی زمان نگذشته است، خوب به خاطر داریم که در آستانه نمایشگاه کتاب سال ۹۷، یعنی حدود دو سال پیش که کاغذ حمایتی وجود نداشت و واردات کاغذ در اختیار قشر مورد توجه این مسئول محترم سازمان تعزیرات قرار داشت، هر بند کاغذ ناگهان چهار تا پنج برابر افزایش قیمتی را تجربه کرد. واویلایی برپا شد که بیشتر به قربانگاه می‌مانست تا بازار کاغذ.

اولاً با وجود چنین مصداق مشهودی که در ذهن داریم، این مسؤول محترم سازمان تعزیرات، چطور و با چه منطقی معتقد است که اگر این تفویض صورت گیرد، قیمت‌های بازار کاهش می‌یابد؟

دیگر این‌که کارنامه عملکرد سازمان یادشده در آن زمان در برخورد با تجار، فروشندگان و درواقع دلالان اصلی چگونه بوده است؟ میزان برخورد با واردکنندگان متخلف چرا در آن زمان اعلام نشد و قشر خاصی هم متهم نشد؟ چرا آن قیمت‌های زورگویانه، تا زمانی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت، راسا به واردات کاغذ مورد نیاز حوزه نشر اقدام کرد، شکسته نشد؟ آیا کنار هم قرار گرفتن این واقعیت‌ها، با سخنان امروز، مبنی بر دلال شدن ناشران، سوء تفاهم‌های ناخوشایندی ایجاد نمی‌کند؟

۷- اما از یک ضلع دیگر ماجرا هم نباید غافل بود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبق قوانین موجود، متولی و مسئول حوزه نشر است. در روزگار کرونازده‌ای که بی‌تدبیری‌ها و بی‌توجهی‌ها، خود زخم‌های کاری به بدنه فرهنگ و هنر کشور زده‌اند که برخی شاخه‌ها را در آستانه ورشکستگی مطلق قرار داده است، این سکوت و بی‌توجهی به حیثیت حوزه فرهنگ کشور، خود نهایت بی‌مسئولیتی و مسئولیت ناپذیری نیست؟

ترجمه اولین رمان نویسنده «هولوگرامی برای پادشاه» چاپ شد

رمان «حالا می‌بینید چه سرعتی داریم!» نوشته دِیو اِگرز به‌تازگی با ترجمه پژمان طهرانیان توسط نشر برج منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب با خرید حق کپی‌رایت در ایران ترجمه و چاپ شده است. دیو اگرز نویسنده آمریکایی و متولد سال ۱۹۷۰ است. او علاوه بر نوشتن رمان به نمایشنامه‌نویسی و فیلم‌نامه‌نویسی هم اشتغال دارد. اگرز تاسیس و سردبیری مجله ادبی «مک سوئینیز» را هم در کارنامه دارد. جایزه مدیسی، ایمپک دابلین و کتاب سال آمریکا از جمله جوایزی هستند که این‌نویسنده دریافت کرده است. «دایره» و «هولوگرامی برای شاه» دو کتاب این‌نویسنده هستند که اقتباس سینمایی هر دو با بازی تام هنکس ساخته و اکران شده‌اند. رمان‌های «زیتون»، «زبانه‌های خشم» و مجموعه‌داستان «چطور گرسنه بودیم» از دیگر آثار این‌نویسنده هستند که در کنار «هولوگرامی برای شاه» و دایره» به فارسی ترجمه شده‌اند.

«حالا می‌بینید چه سرعتی داریم!» اولین رمان دیو اگرز است. بخش‌هایی از این‌رمان ابتدا در مجله نیویورکر چاپ شدند. نسخه اصلی کتاب هم برای اولین‌بار سال ۲۰۰۲ به چاپ رسید. این‌رمان یک داستان جاده‌ای است و در قالب سفرنامه نوشته شده است. توصیف‌های موجز و روایت سیال از دیگر ویژگی‌های داستان این‌رمان هستند. امتیاز ساخت این‌رمان برای ساخت یک فیلم سینمایی به کمپانی پراسس پرُداکشنز فروخته شد و قرار بود میگوئل آرتتا فیلمساز پورتوریکویی آن را بسازد که هنوز این اتفاق نیافتاده است.در داستان کتاب پیش‌رو، دو دوست نزدیک عاصی جوان می‌خواهد سفری دور دنیا داشته باشند. این‌سفر مثل فراز از واقعیت است. دو دوست این‌داستان می‌خواهند از شر دارایی‌شان هم خلاص شوند. این دو، قهرمانان جوانی هستند که از داغ مرگ دوست دیگرشان عزادارند و با قصد و نیتی که شبیه نذر است، از آمریکا خارج می‌شوند.

در قسمتی از این‌رمان می‌خوانیم:نایجل، چند قدم جلوتر در راهرو منتظرمان بود؛ برای اینکه احترام صحبت ما را نگه دارد، سرش را کمی به پایین خم کرده بود. وقتی شنید می‌خواهیم نزدیک‌تر شویم چانه‌اش را بالا داد، با لب‌های بسته لبخندی زد و سر تکان داد. دنبالش رفتیم. پاهایم خواب رفته بودند. حس می‌کردم خیلی سبک شده‌اند. تویشان خالی بود و انگار کسی دیگر داشت حرکتشان می‌داد. ده قدم که جلوتر رفتیم، دیگر معلوم شد. داغانش کرده بودند. خدایا. خاکستری شده بود. صورتش بزرگ و پهن شده بود. چند سانت گوشت به صورتش اضافه کرده بودند. گوشت صورتش خیلی زیاد شده بود. مثل پرده‌ای از دماغش پایین آمده بود. پوستش هیچ‌رنگی نداشت؛ تهرنگِ خفه و گرفته‌ای بود، مثل رنگی که به خانه می‌زنند و چاله‌های روی گونه‌هایش هم قرمز شده بود، انگار که دخترهایی جوان با قلم‌مو رنگش کرده باشند. انگار پنجاه سالش بود. فرق موهایش باز شده بود، ولی در جهت اشتباه.

اخبار

«عقاب صحرا» بر فراز آی‌فیلم

فیلم سینمایی «عقاب صحرا» پنجشنبه ۸ آبان از شبکه آی‌فیلم در کشورهای فارسی‌زبان دنیا پخش می‌شود.

به گزارش امتیاز، «عقاب صحرا» فیلم این آخر هفته آی‌فیلم۲ است که ساعت ۱۶ به وقت کابل، ۱۵:۰۰ به وقت تهران و ۱۶:۳۰ به وقت دوشنبه تاجیکستان روی آنتن آی‌فیلم۲ قرار می‌گیرد. «عقاب صحرا» را مهرداد خوشبخت در سال ۱۳۹۱ کارگردانی کرده و نویسندگی آن را عباس اکبری بر عهده داشته است. داستان آن در بازه زمانی سال ششم تا هشتم هجری و از حدیبیه تا فتح مکه رخ می‌دهد و زندگی شخصی به نام ابوبصیر را روایت می‌کند که در ایام صلح حدیبیه از بین کفار گریخته و به پیامبر اسلام(ص) پناهنده می‌شود. حالا همه چشم‌انتظارند که پیامبر برای حفظ صلح او را به کفار تحویل خواهد داد یا... کیکاووس یاکیده، شهرزاد کمال زاده، حسین سلیمانی، افشین نخعی، محمد ربانی، انوشیروان ارجمند، رضا سروی، حبیب دهقان‌نسب و... در این فیلم سینمایی ایفای نقش کرده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند بازپخش این فیلم را در ساعت‌های ۲۲:۰۰، ۰۴:۰۰ و ۱۰:۰۰ روز بعد به‌وقت کابل تماشا کنند.

مستند « دیوار آرزوها» از قاب هیسپان تی وی

شبکه اسپانیایی زبان هیسپان تی وی مستند «دیوار آرزوها» (The Wall of Wishes) را که درباره مسئله مهاجران در کشور آلمان است ، روی آنتن می برد.

به گزارش امتیاز، در این مستند به مسئله مهاجران در کشور آلمان پرداخته می شود و اینکه آیا آنان به آرزوهایی که برای آن مهاجرت کرده اند،دست یافته اند ؟ در این مستند به نحوه اسکان ابتدایی ، بهداشت و سیر بررسی درخواست پناهندگی آنان پرداخته می شود . در این برنامه همچنین چالش های پیش رو ی مهاجران و همچنین مردم و دولت آلمان درمواجهه با سیل عظیم پناهجویان در جهت تامین مسکن ، شغل و رفاه اجتماعی به تصویر کشیده می شود . در این مسیر با پناهجویان از ملیت های مختلف ،مسئولین کمپ پناهندگان ، مسئولین صلیب سرخ ، پلیس ، مسئولین شهرداری ، مترجمین کمپ پناهجویان و مسئولین رسیدگی به امور پزشکی کمپ پناهندگان گفت و گو شده است. همچنین به اقدامات مجرمانه برخی از جوانان پناهجو همانند وقایع سال نو در شهر کلن و برخورد گروه های نژاد پرست با پناهجویان نیز پرداخته می شود .

مستند « دیوار آرزوها » به تهیه کنندگی و کارگردانی حمید کوه پایی محصول ۲۰۱۶ شبکه پرس تی وی است که برای مخاطبان اسپانیایی زبان شبکه هیسپان تی وی زبانگردانی شده است و در دو قسمت ، روز دوشنبه ساعت ۳:۳۰به وقت تهران روی آنتن هیسپان تی وی می‌رود وتکرار آن همان روز ساعات ۸ و ۱۴و۲۰ و قسمت دوم آن روز سه شنبه ساعت ۳:۳۰وتکرار آن همان روز ساعات ۸ و ۱۴و۲۰ روی آنتن خواهد رفت.

به مناسبت ولادت حضرت رسول اکرم (ص) و هفته وحدت؛

ویژه برنامه «الوجه الآخر» از شبکه الکوثر

برنامه «الوجه الآخر» از شبکه الکوثر به مناسبت ولادت حضرت رسول اکرم (ص) و آغاز هفته وحدت، هر شب در طول این هفته بر روی آنتن خواهد رفت.

به گزارش امتیاز، این ویژه برنامه ها که محصول گروه معارف شبکه است، در شش شب و با حضور ۴ مهمان و کارشناس دینی به صورت زنده پخش می شود. شیخ مصطفی ملص، شیخ عبدالسلام محمد، شیخ ماهر محمود و شیخ ابراهیم العویدی به عنوان مهمانان و کارشناسان دینی این برنامه نام برده می شود که در خصوص سیره حضرت رسول اکرم (ص) به تناوب برای مخاطبان و بینندگان شبکه الکوثر به سخنرانی می پردازند. در خلال این برنامه ۹۰ دقیقه ای وله های مناسبتی پخش می شود. برنامه «الوجه الآخر» از۷ آبان هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ به وقت تهران با اجرای جمال بری بر روی آنتن شبکه الکوثر است.

میثم منصوری کیا تهیه کننده «الوجه الآخر» از شبکه الکوثر است.

با شبکه سحر «آدرنالین» بالا می رود

مستند «آدرنالین» با کارگردانی رضا فرهمند از کانال بالکان شبکه سحر پخش می شود.

به گزارش امتیاز، این مستند پنج قسمتی با تهیه کنندگی خانه مستند انقلاب اسلامی ساخته شده است. ماجراجویی های ورزشی در دل طبیعت، ارتفاعات و مکان های پرخطر ایران و قایق سواری تخصصی و آشنایی با انواع سبک های این رشته ورزشی پر هیجان از موضوعات اصلی مستند «آدرنالین» است.

مستند «آدرنالین» دوشنبه شب ها ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران با زبانگردانی و ترجمه ارناد پانجیچ به زبان بوسنیایی بر روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است.

در «طنین» کانال کردی شبکه سحر واکاوی می‌شود؛

قانون انتخابات مجلس نمایندگان عراق

قوانین مجلس نمایندگان عراق در خصوص انتخابات در برنامه «طنین» کانال کردی شبکه سحر به بحث گذاشته می شود.

به گزارش امتیاز، کلیات قانون انتخابات مجلس نمایندگان عراق و غیر حزبی بودن مشارکت کاندیداها و تاثیر آن بر حضور مردم اقلیم کردستان در انتخابات با حضور کارشناس سیاسی از اربیل عراق بررسی خواهد شد.

«طنین» به تهیه کنندگی جواد رشیدی و دستیاری تهیه؛ علی اکبر اسماعیل زاده و ا جرای عبدالله عابدی امشب ۵آبان ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه به مدت ۴۵ دقیقه به طور زنده به روی آنتن کانال کردی شبکه سحر خواهد رفت.